

مسائل متفرقه

مسئله

کسی که نسبت به حکم شرعی در باب نماز، روزه، حج و غیره جاهل است، اگر حکم شرعی بر خلاف واقع به گونه ای به او گفته شود که موجب باطل و فاسد شدن عملش شود، حرام است.

اگر شخصی جاهل به اجزاء و شرایط نماز باشد، چنانچه جاهل او به اجزاء و شرایطی باشد که اخلاص به آنها از روی جهل به صحت نماز ضرر نزند، آگاه کردن او واجب نیست، ولی اگر از اجزاء و شرایطی است که اخلاص به آنها هر چند از روی جهل، موجب بطلان نماز است؛ مثل وضو، غسل، وقت، رکوع و سجود، در این صورت اعلام به جاهل واجب است.

کسی که نسبت به موضوع حکم شرعی جاهل است، چنانچه موضوع حکم بر خلاف واقع به گونه ای برای او بیان شود که موجب ارتکاب گناه توسط وی شود، حرام است.

اگر شخصی باعث به گناه افتادن دیگری نمی شود، ولی کسی را در حال ارتکاب حرام می بیند و مانع او نمی شود:

۱. ارتکاب حرام به خاطر جهل به حکم است (خواه حکم تکلیفی و یا حکم وضعی) □ بر مکلف اظهار و اعلام حکم شرعی واجب است.

نمی یا. است باطل مّ تیم، آب وجود با داند نمی و دارد وجود آب که درحالی، خواند می نماز تیمم با که کسی: مثال ۷
داند هنگام زلزله نماز آیات واجب می شود یا حرمت فقاع را نمی داند، یا نمی داند نظر به برخی از نامحرم هایی که در معاشرت های خانوادگی متداول است، حرام است. همه اینها از موارد جهل به حکم کلی الهی است که اعلام آن واجب است. (مکاسب محرمة، ج ۷۸، ص ۹۵۵)

۲. به خاطر جهل به موضوع است:

الف) موضوع در شریعت اسلام از موضوعات مهم است که خداوند به هیچ وجه راضی به ابتلای مکلف به آن نیست، مثل جان انسان یا اعراض (آبرو و حیثیت مؤمن) و همچنین اموال او □ بر مکلف اظهار و اعلام واجب است. (مکاسب محرمة، ج ۷۹، ص ۲)

می، است مّ مهدورالد فردی اینکه خیال به یا، کند می فتّصر، است غصب بداند اینکه بدون را کسی مال: مثال ۷
خواهد او را به قتل برساند، یا می خواهد خواهر رضاعی اش را -بدون این که بداند خواهرش است- به عقد خود درآورد. (مکاسب محرمة، ج ۷۹، ص ۲)

ب) موضوع از موضوعات مهم نیست □ اعلام واجب نیست ؛ مثل احکامی که جاهل در آنها معذور است. (مکاسب محرمة، ج ۷۹، ص ۳)

۳. در موارد شک در اهمیت موضوع احتیاط واجب اظهار و اعلام است. (مکاسب محرمة، ج ۷۹، ص ۳)

در تکوینیات، مثلاً آتش سبب سوزاندن است. ولی شرط تأثیر این سبب، تماس آن با جسم است. اگر تماس نباشد، آتش اعمال سببیّت نمی کند ؛ هر دو به نحوی تأثیر دارند، اما تأثیر آتش غیر از تأثیر تماس است. از این رو دو نوع تأثیرند که به اولی «سبب» می گویند و به دومی «شرط». (مکاسب محرمة، ج ۷۶، ص ۳)